



رویکرد

فراتر از رعیت

کامران فریدونی: شاید شما هم تجربه من را داشته‌اید که در اتوبوس و تاکسی، در صف و اتاق انتظار دکتر یا... فردی را دیده‌اید که تحت‌فشار ناملاماتی می‌رود و اعتراض می‌کند که: «مگه این مملکت صاحب نداره؟».

البته می‌دانیم که او بیشتر قصد اعتراض دارد تا یافتن پاسخ؛ اما این شیوه اعتراض نشان‌دهنده عمق این باور است که این مملکت صاحبی باید داشته باشد و قطعا خودش را صاحب و مالک آن نمی‌داند. او هنوز خود را اربعی می‌پندارد که روی زمین اربابی کار می‌کند و حالا در گرفتاری پیش‌آمده ارباب است که باید به داد او برسد. همه می‌دانیم که ظاهرا چندین دهه است که نه اربابی در کار است و نه رعیتی؛ اما انکار هنوز ریشه تفکر ارباب - رعیتی در جانمان ریشه دارد. این باور گاهی از ناخودآگاهمان بیرون می‌زند و بر زبانمان جاری می‌شود و شگفت‌زده‌مان می‌کند. وقتی ما خودمان را رعیت بدانیم، کسانی که می‌هستند که با همان باور قدیمی خود را وارث اربابان بدانند.

■ تابعیت رابطه‌ای سیاسی، حقوقی و معنوی است که فردی را با دولتی پیوند می‌دهد. حقوق و وظایف هر شهروند بر پایه همین رابطه مشخص می‌شود. در ماده

۹۷۴ قانون مدنی ایران به زبان ساده آمده است تابعیت ایرانی به افرادی که شرط‌های زیر را داشته باشند، داده می‌شود: ۱- همه افراد ساکن در ایران به‌جز کسانی که شهروند کشور دیگری هستند. ۲- کسانی که از پدر ایرانی چه در ایران و چه در خارج از ایران زاده شده‌اند. ۳- کسانی که در ایران زاده شده باشند، حتی اگر پدر و مادر آنها ناشناخته باشند. ۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده باشند. ۵- کسانی که در ایران از پدری که خارجی است، متولد شده‌اند و پس از رسیدن به ۱۸سالگی یک سال در ایران اقامت کرده باشند. ۶- هر زن تبعه غیرایرانی که با شوهر ایرانی ازدواج کرده باشد. ۷- هر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۹ • ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۲۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۵
اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا



با اعلام رنگ آبی برای جزیره کیش، این روزها شاهد شلوغی و ورود خیل عظیم مسافران به این جزیره هستیم. عکس: شیدا پوریوسف، میزان



تبعه خارجی که تابعیت ایرانی را به دست آورده است. بر اساس مصوبه‌ای جدید فرزندی که از مادر ایرانی زاده شده‌اند نیز می‌توانند تابعیت ایرانی را به دست آورند. ■ بر پایه منشور حقوق شهروندی ایران که در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ به امضای رئیس‌جمهور رسید، تبعه ایران دارای حق‌هایی هستند. سرفصل این حقوق به این شرح است: حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکّل، تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت‌وآمد، حق تشکّل و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق ممکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی.

■ با تمام این اوصاف و با استناد به هرآنچه در بالا آوردم، من ایران را ملک پدری‌ام می‌دانم و البته می‌دانم این ملک مشاع است و وارثان و مالکان دیگری هم دارد. همچنین می‌دانم برای نگهداری آن و استفاده از حقوق این ارثیه از آن همه ایرانیان با همه تنوع و گونه‌گونی آنهاست و می‌خواهم دوباره تأکید کنم که این ارثیه شامل جنبه‌های غیرمادی نیز می‌شود، مانند حق کرامت، برابری، امنیت، آزادی اندیشه و بیان، دسترسی به اطلاعات، حریم خصوصی، تعیین سرنوشت و همه آنچه در بالا آمده است.

کاملا روشن است که همه شهروندان برآیند

صاف و ساده

موهبت چرخش در قدرت

که با رأی اقلیت جامعه انتخاب شده‌اند، چنان حق انتخاب مردم را محدود کرده‌اند که معنای صریح آن حذف رقبای سیاسی است. آنها به اصول دموکراسی، ایمان و تعهد ندارند و درصدد هستند که به هر نحو ممکن، با ایجاد موانع متعدد در برابر مخالفان، حضور در قدرت را برای خود ابدی کنند. پس لازم است در قوانین اساسی و پایه کشور، چنین التزامی تضمین شود؛ همان‌گونه که در متمم قانون اساسی آمریکا این حقوق تضمین شده و حتی با وضع قانون هم نمی‌توان این حق اساسی را محدود کرد.

این به نفع جامعه است که همه افکار و سلاقی موجود، شانس برابر برای کسب قدرت داشته باشند. همچنین وقتی مدت‌زمان خدمت یک مسئول، محدود و معین باشد، امکان پایش عملکرد او حاصل می‌شود؛ ضمن اینکه خود او نیز محاسبه می‌کند چقدر برای نشان‌دادن نتوانش وقت دارد. جالب است بدانید وقتی در سال ۶۸ قانون اساسی اصلاح و پست نخست‌وزیری حذف شد، رهبری به نخست‌وزیر، تصدی پست ریاست بنیاد مستضعفان را پیشنهاد داد و مهندس موسوی پذیرفت. در احکام رهبری برای همه پست‌های انتصابی، مثل ریاست قوه قضائیه، صداوسیما، فرماندهان نظامی و نظایر آن، مدت معین مشخص شده بود؛ اما نخست‌وزیر، حکم بدون ذکر مدت می‌خواست و چنین حکمی صادر نشد. لاید میرحسین انتظار داشت پست‌های همه مسئولان، مدت‌دار و فردی‌ای باشد.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هم در سال ۷۵ در پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری، مواجه با اصرار برخی علما و مسئولان شد که با اصلاح قانون اساسی، امکان انتخاب مجدد را فراهم کند و برنامه سازندگی را خودش پیش ببرد. اگر چه او عضو مؤسس نظام بود و در توانش بود چنین کاری کند؛ اما به‌جد مخالفت کرد و معتقد بود انقلاب نباید قائم به اشخاص باشد و همه افکار و سلاقی درون انقلاب، باید امکان بروز هنر و استعداد مدیریتی و روشی خود را داشته باشند. هاشمی قدرت ریاست‌جمهوری را با مسالمت انتقال داد و عزت ابدی برای خود کسب کرد.

در دهه‌های اخیر، موهبت چرخش قدرت در آمریکا نشان داد چگونه دوره سلطه‌جویی جورج بوش، با یک انتخابات، به دوره صلح‌جویی اوباما رسید و چهره لکه‌دار شده آن کشور را ترمیم کرد. چگونه چهار سال فرصت به تکرار داد تا بحث خود را در جلب رضایت آمریکایی‌ها بیازماید و اکنون صندوق رأی تعیین کرد که قدرت جابه‌جا شود و فرد دیگری با فکر و عمل متفاوت، در مصدر امور قرار گیرد. گردش در قدرت، موهبتی است که به مردم فرصت تصحیح اشتباه و اجازه آزمون ایده‌های مختلف را می‌دهد. حال تصور کنید که اگر فردی مثل ترامپ، در سریر قدرت جا خوش می‌کرد و پایین نمی‌آمد، آمریکا و جهان دچار چه تلاطماتی می‌شدند و بشریت باید چشم به عزرائیل می‌دوخت که چه زمانی جان از این جانی می‌ستاند تا از شر او خلاص شود؛ اما حاکمیت قانون و اصل چرخش در قدرت، اختیار مردم در تعیین سرنوشت را به رخ کشید.

کشور ما نظام مردم‌سالاری دارد که در چارچوب قوانین شرع، وظیفه دارد آرامش، آسایش و پیشرفت مردم را تأمین کند. نگاه به تجربه جوامع دیگر و تصحیح روال طی شده، ما را به اهداف ملی نزدیک خواهد کرد.

پیشنهاد

دستور زبان اوستا به روایت ایرج کابلی

شروین پاشایی

دستور جامع زبان اوستا با ترجمه و نگارش ایرج کابلی را انتشارات فرهنگ معاصر چاپ و منتشر کرد.

ویژگی‌های این کتاب بسیاری است که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنم، هر فارسی‌زبانی بی‌آنکه نیاز به آشنایی با خط و زبان دیگری داشته باشد فقط با خواندن دو بخش آغازین این کتاب می‌تواند خط دین‌دیده را یاد بگیرد، بخش‌های دیگر، مرجعی است برای علاقه‌مندان یادگیری دستور جامع زبان اوستا. تا پیش از انتشار این کتاب، یکی از مشکلات علاقه‌مندان به یادگیری زبان اوستایی، نبودن قلم راست‌به‌چپ‌چین برای حروف اوستایی بود که ایرج کابلی با طراحی فونت دین‌دیده، اما در آن راست‌به‌چپ‌چین است، این مشکل را از سر راه برداشت. تا به امروز زبان‌شناسان در گوشه‌وکنار این جهان، دستور زبان‌های متفاوتی برای یادگیری زبان اوستایی نوشته‌اند که خوب بعضی از این افراد معاصر ما نبودند



دغدغه‌های طبیعیانه

«ترامپ»، یک دغدغه طبیعیانه



عبدالرضا ناصر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● «ترامپ» رفت و رفتش را باید به آزادی‌خواهان جهان و به کسانی که به دنبال حاکمیت اراده قانون و دموکراسی هستند، تبریک گفت. معلوم نبود در صورت ادامه ریاست‌جمهوری «ترامپ» شاهد چه مشکلات بین‌المللی دیگری می‌بودیم. اینکه کسی همچون او که می‌خواهد از قانون و اراده مردم بالاتر باشد بر سر کار نباشد، بدون شک جهان ما را بهتر خواهد کرد.

اما به غیر از این موضوعات بسیار مهم، «ترامپ» به یک دغدغه طبیعیانه نیز بدل شده بود. بعضی از اقداماتی که او در چهار سال ریاست‌جمهوری خود انجام داد، با سلامتی گونه انسان در منافات بود و نشان داد که اقدامات سیاست‌مداران تا چه اندازه می‌تواند حتی در تهدید یا بهبود شرایط بیولوژیک انسان‌ها دخیل باشد. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به وضعیت معیشتی و اقتصادی انسان‌ها و شهروندان اشاره کرد. وقتی وضعیت اقتصادی شهروندان خوب باشد زندگی آنها نیز از هر جهت بهتر خواهد بود. این‌یک مثال ساده و عینی از نقش سیاست‌مداران در زندگی شهروندان است و وقتی حکومتی این حداقل‌ها را برای مردمش مهیا نکند، عملا باید فاتحه تمام موارد دیگر را خواند. «ترامپ» رفت. البته باید گفت که «ترامپ» سبب بهبود وضعیت اقتصادی جامعه خود شده بود و این‌گونه نبود که تمام جامعه آمریکا از او ناراضی باشند. این را می‌توان از حجم بالای رأی که به او دادند، متوجه شد. اما در عین حال کارهایی که کرد می‌توانست آن قدر در آینده جهان تأثیرگذار باشد که رفتش را باید به فال نیک گرفت.

یک نکته دیگر را هم باید ذکر کنم. درست است که «ترامپ» با تحریم‌های شدید خود در بدرشدن وضعیت معیشتی مردم ما نقش داشت، اما آنچه ما را به این شرایط انداخت نه اقدامات «ترامپ» بلکه بی‌کفایتی و بی‌تدبیری مسئولان ما بود؛ مسئولانی که توجیهی به حداقل نیازهای شهروندانشان ندارند. پس آنچه به‌عنوان دغدغه‌های طبیعیانه ناشی از رفتار ترامپی ذکر خواهد شد، تأثیرات اقدامات او در سطح جهانی است. کشور ما نیازمند تدبیرهایی است که به گمانم چندان به رفتن یا ماندن «ترامپ» ارتباطی ندارد. یکی از مهم‌ترین اقدامات ضدبشری «ترامپ» خروج او از معاهده اقلیمی پاریس بود. بحران محیط زیست بی‌شک



اگر مهم‌ترین چالش تهدیدکننده حیات در سال‌های بعد نباشد، یکی از مهم‌ترین آنهاست. بشر به‌شدت دست به تخریب محیط زیستن خود زده است. درخت‌ها را نابود کرده، گیاهان را از بین برده، سبب انقراض گونه‌های جانوری شده و با مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی و تولید روزافزون آلاینده‌ها، آب و خاک و هوا را سمی و آلوده کرده و به‌ذنبال آن سبب تغییرات شدید اقلیمی مانند ازین‌رفتن لایه ازن، افزایش دمای زمین و تسریع در آب‌شدن یخ‌های قطبی شده است. حاصل همه اینها البته بیماری‌های جدیدی است که دارد گونه انسان را تهدید می‌کند. کووید۱۹ که‌کماکان درگیر آن هستیم، نمونه‌ای مشخص از تأثیر دخالت انسان در محیط زیست است؛ دخالتی که بعینه جان خودش را دارد می‌گیرد. همه باید دست به دست هم بدهند تا هرچه زودتر از تبدیل‌شدن این بحران به یک فاجعه جلوگیری کنند. وقتی می‌بینیم که رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور جهان از چنین معاهده‌ای خارج می‌شود، عملا تمام امیدها ناامید می‌شود.

مقوله بعدی نحوه برخورد «ترامپ» با بحران کرونا بود. به غیر از حرف‌های عجیب و غریب و ضدعلمی، «ترامپ» در یکی از خطرناک‌ترین تصمیم‌ها حمایت خود از سازمان بهداشت جهانی را قطع کرد. شاید این سازمان آن‌طور که باید درست عمل نکرده باشد، اما اکنون و در این بحران عمیق انسانی زمان تسویه‌حساب با یک سازمان بهداشتی نبود. می‌توان بعد از اینکه از بحران عبور کردیم به همه این مشکلات پرداخته شود، اما اکنون فقط باید همه کمک کرده و دست به دست هم بدهیم تا بحرانی که جهان‌مان را این‌گونه فلج کرده، مرتفع کنیم. این تصمیم «ترامپ» یک تصمیم ضدبشری ناشی از نگرش ضعیف رهبر یک کشور قوی بود. جای خوشبختی است که «جو بایدن» در اولین روز تصدی ریاست‌جمهوری این تصمیمات «ترامپ» را لغو کرد. دوره ریاست‌جمهوری «ترامپ» شاید درس بزرگی برای سایر سیاست‌مداران نیز محسوب شود؛ آنها نباید خود را فراتر از قانون و مردم ببینند و باید همیشه در جهت حفظ منافع مردم کوشا باشند. مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیازهای مردم هر کشور، ایجاد شرایطی است که زندگی بیولوژیک‌شان به خطر نیفتد. تعریف منافع مردم نیز از همین‌جا آغاز می‌شود.